خبرها

بولتون مشتری آندو

آندو در انگلیس. این خبری است که دیروز از سوی خود تیموریان هم تائید شد. «چند پیشنهاد از تیم‌های آسیایی و اروپایی داشتم، اما با بررسی دقیق شرایط بولتون را بهتر از سایر تیم‌ها دیدم و یکشنبه برای انجام آزمایش پزشکی به انگلیس سفر خواهم کرد.» و این در شرایطی است که برای گرفتن مجوز کار در انگلیس حضور ۷۵ درصدی در بازی‌های ملی دو سال اخیر از شرایط اصلی باشگاه‌های انگلیسی است. اما آندو که هنوز به این حد نرسیده می‌گوید: «سام آلاردیس بازی‌های من را در جام‌جهانی دیده و شناخت خوبی از من دارد؛ بنابراین تنها برای انجام آزمایش‌های پزشکی به انگلیس خواهم رفت و در صورت موفقیت در این تست تا یک هفته بعد قراردادم را با این تیم نهایی خواهم کرد اما هنوز مدت قراردادم با بولتون مشخص نیست.»

خداحافظی با لاوولپه

«ریکاردو لاوولپه» سرمربی تیم ملی فوتبال مکزیک در جام‌جهانی قصد دارد از سمت خود کناره‌گیری کند و به سرمربیگری در اروپا ادامه دهد. آلبرتو دلاتوره رئیس فدراسیون فوتبال مکزیک روز سه‌شنبه این خبر را اعلام کرد.

میشل در قطر

هنری میشل سرمربی تیم ساحل عاج در جام‌جهانی هدایت تیم باشگاهی العربی قطر را برعهده گرفت. میشل ۵۸ساله گفت اولین گام او ارتقای رتبه سومی العربی در لیگ باشگاه‌های قطر است. وی افزود: تجربه بزرگی است اما من هم چالش و مبارزه را دوست دارم. هدایت یک تیم جدید و مشاهده ظهور فوتبال حرفه‌ای همیشه جالب است. میشل هدایت تیم‌های ملی فرانسه، کامرون، مراکش، امارات و تونس را برعهده داشته و در سال ۲۰۰۴ مربی ساحل عاج شد.

تمدیدی‌های صبا

عباس مرادی گفت: یحیی گل‌محمدی سال آینده هم در تیم صباباتری بازی خواهد کرد و ما قرارداد بختیاری‌زاده را نیز تمدید کرده‌ایم. قائم‌مقام باشگاه صباباتری اظهار کرد: فرهاد کاظمی به توانایی‌های یحیی گل‌محمدی اعتقاد دارد و بر همین اساس و با توجه به اینکه او با باشگاه قرارداد دارد، سال آینده هم در تیم صباباتری بازی خواهد کرد. همچنین با توجه به ویژگی‌های بختیاری‌زاده قرارداد او را تمدید کردیم. وی درباره جدایی محمد نوازی از صباباتری گفت: نوازی قراردادش با باشگاه به پایان رسیده بود و او با ما تسویه‌حساب کرد. نوازی در طول مدت حضورش در صباباتری زحمات زیادی را متحمل شد و ما از او به‌طور کامل راضی هستیم.

کراوچ: خسته بودیم

پیتر کراوچ مهاجم انگلستان باور دارد که شکست تیم ملی کشورش برابر پرتغال و ناکامی در زدن ضربات پنالتی به سبب خستگی زیاد هم‌تیمی‌هایش ناشی از اخراج وین رونی در دقیقه ۶۲ بوده است. کراوچ که در دقیقه ۶۵ آن دیدار جانشین جو کول شد، می‌گوید هم‌تیمی‌هایش پس از ۳۰ دقیقه بازی در وقت اضافه زیر سقف بسته ورزشگاه گلزن کرشن دیگر جانی در بدن نداشتند: «صادقانه بگویم که در پایان بازی برابر پرتغال احساس کوفتگی شدید می‌کردم. ما بیشتر زمان آن مبارزه ۱۰ نفره بودیم و فکر می‌کنم با پاهایی خسته برای زدن پنالتی رفتیم. همه بازیکنانمان سخت تلاش کردند و تا پیش از ضربات پنالتی با تمام وجود به فعالیت پرداختند؛ اما نتیجه در این ضربات روشن شد.» کراوچ که در بازی نخست انگلستان برابر پاراگوئه در جام هجدهم در کنار مایکل اوون قرار گرفت، نپذیرفت که هم‌تیمی‌هایش برای زدن پنالتی‌ها مهیا نبودند: «همه با انتقاد از ما می‌گویند انگلستان در تمرین‌هایش روی پنالتی‌ها کار نکرده اما باید بگویم ما پیش از آمدن به آلمان هم تمام مدت روی این ضربه‌ها کار کردیم. تمرین با دیدار رسمی تفاوت دارد. توپی که در ورزشگاه خالی از تماشاگر زیر پای شما قرار می‌گیرد با توپ بازی شنبه فرق دارد. ضربه‌های پنالتی مانند بلیت بخت‌آزمایی هستند.»

باز هم دادگاه تبانی

رسیدگی به بزرگترین پرونده رسوایی ورزشی در ایتالیا از دیروز درحالی که تیم ملی فوتبال این کشور به فینال جام‌جهانی صعود کرده از سر گرفته شد. استفانو پلاتزی بازرس فدراسیون فوتبال ایتالیا دیروز از دادگاه درخواست کرد باشگاه یوونتوس به لیگ دسته سه سقوط کرده و از عناوین قهرمانی که در دو فصل گذشته به‌دست آورده خلع شود. وی همچنین خواست باشگاه‌های آث‌میلان، لاتزیو و فیورنتینا به لیگ دسته دو تنزل داده شوند. مجازات‌های درخواستی بازرس پرونده که ساعاتی قبل از دیدار تیم‌های ایتالیا و آلمان در مرحله نیمه‌نهایی جام‌جهانی ۲۰۰۶ مطرح شد، شدیدتر از حد انتظار بود. روزنامه توتو اسپورت تیتر اول خود را به این پرونده اختصاص داده و نوشت: «شوک بزرگ یووه: سقوط به دسته سه». روزنامه گاتزتا دلواسپورت نیز نوشت: «می‌دانستیم که فرش برای آنها پهن نخواهند کرد اما واقعیت از آنچه تصور می‌شد فراتر رفته است.» باشگاه یوونتوس در مرکز اتهامات و ردیف نخست پرونده تبانی در فوتبال ایتالیا قرار دارد. افشای نوار مکالمات لوچیانو موجی مدیرعامل سابق باشگاه در مورد انتخاب داوران اوضاع این تیم را وخیم کرده است. دادستان پرونده به همین دلیل درخواست سقوط یوونتوس به پایین‌تر از سری B را مطرح کرده است.

نگاه

هلال ماه، پشت هجده‌قدم

امیر قادری

۱- و این حاصل صبر ما بود. ایتالیای غمگین ما بر آلمان همیشه پیروز غلبه کرد. این‌قدر عقب نشست، این‌قدر در خودش جمع شد که فرهنگ مهاجمی مثل آلمان، از نفوذ به درون آن خسته شد، دید که نمی‌تواند، دید که زورش نمی‌رسد. شکست‌های ایتالیا هر چند وقت آن‌قدر روی هم جمع می‌شود که کم‌کم از درونش یک پیروزی بیرون می‌آید. مثل کودکی که آن‌قدر کتک می‌خورد که پدرش را خسته می‌کند. اینجا عقب نشستن و مشت خوردن خودش یک تاکتیک است. محمدعلی کلی هم اغلب بازی‌هایش را این طوری می‌برد. این‌قدر مشت می‌خورد که حریف قوی‌تر و جوان‌تر خسته می‌شد و بعد علی، با یک ضربه کارش را می‌ساخت. این یکی از اولین سکانس‌های فیلم «علی» ساخته مایکل مان است. علی در برابر سانی لیستون، همین جور دارد مشت می‌خورد. تکیه داده به طناب‌های رینگ و لیستون دارد می‌زندش. کمی ناداوری و خطاهای ناجور لیستون (که به هر حال برای شکل دادن به درام لازم است و قاطی بازی دیشب آلمان‌ها هم بود) به هر حال وجود دارد. محمدعلی هر چندوقت ضربه‌ای می‌زند، اما باز پس می‌کشد و در می‌رود. می‌رود دفاع. و لیستون می‌کوبد توی سر و چشم و پهلوهای علی. و درست در این لحظه مسابقه است، لحظه‌ای که تماشاگر مشت خورده انتظارش را دارد، که جو عوض می‌شود. که محمدعلی اولین ضربه‌اش را می‌زند. وووووه. موسیقی ضرب و زنگ‌دار لیزا جرارد و پیتر بورک از اینجا شروع می‌شود و نمای بسته‌ای داریم از دو پای علی که آن رقص پای معروفش را اجرا می‌کند. ورق برگشته است. ایتالیا در دقیقه ۱۱۸ بازی گل زده است. کودک کتک‌خورده روی پاهایش بلند شده است.

۲- عقب نشستن و در خود فرو رفتن ایتالیا هیچ وقت از ترس نیست. این اتفاقی است که همیشه می‌افتد. این بهترین شکل درام است. مرد ضعیفی که قوی می‌شود. نه زیر پا مانده است و نه همیشه قوی بوده. ایتالیا با آنگولا بازی کند یا غنا، با اوکراین یا آلمان، شیوه بازی همین است. حتی وقتی خیلی از حریفش قوی‌تر است، برتری‌اش باز دل آدم را نمی‌زند. این یک جور اصالت است که در بازی تیم‌های دیگر کم گیرمی‌آید. ایتالیایی‌ها بردشان را خوشمزه می‌کنند. آدم را تا دم مرگ می‌برند و زنده برمی‌گردانند. اصول داستان‌پردازی را رعایت می‌کنند. حالا که ایتالیا برده و یکی دو ساعتی از بازی گذشته، تازه غم و غصه‌ها شروع شده. این که چند سال دیگر باید منتظر بمانیم تا ایتالیایی‌ها به چنین پیروزی‌ای مهمان‌مان کنند. از نیمه نهایی جام ۱۹۹۰ تا فینال ۱۹۹۴ و پنالتی‌های یک‌چهارم نهایی ۱۹۹۸ و آخرین لحظات فینال لعنتی جام ملت‌های ۲۰۰۰ و بالاخره یک هشتم نهایی جام‌جهانی ۲۰۰۲، گذشته‌ایم که به این بازی رسیده‌ایم. فرق می‌کند با آلمانی که وقتی ضعیف است باز مثل تیم‌های برنده بازی می‌کند. این فرهنگ پر از تراژدی ایتالیا در برابر فرهنگ پر از فتوحات آلمان است. لحظه‌ای است که کودک کتک‌خورده سرش را بلند می‌کند. جام‌جهانی ۲۰۰۶ اولین باری است که این‌قدر از ایتالیا مطمئن هستیم. اضطرابی اگر بود به هجده‌قدم حریف مربوط می‌شد نه زمین خودمان. ممکن بود گل نزنیم، فرصت‌ها را از دست بدهیم. اما این که گل بخوریم؟! اصلاً. سیستم اصیل ایتالیایی حالا به چنان کمالی رسیده که سال‌ها از آن دور مانده بود. این تیمی است که به هوادارانش قوت قلب می‌دهد. تیمی که مدافعانش در برابر مهاجمان حریف می‌ایستند. شما نگران نباشید، بدن کاناوارو هست. یک جور دیوار گوشتی که کسی نمی‌تواند از آن عبور کند. در تمام این دوره از بازی‌ها، شاید ایتالیا عقب نشسته باشد، اما این دیوار گوشتی به غیر از یک صحنه در بازی با آلمان، وانداده است. بینش باز نشده است. این زنجیره تیمی افتخار ما است. میانه میدان را نداریم، اما پشت هجده‌قدم را چرا. کنار هم ایستاده‌ایم.

رفقایی که آخر بازی دیشب SMS زدند، چند سالی بود که منتظر مانده بودند؟ این اتفاقی است که هر روز نمی‌افتد. اگر ایتالیا به قول گروسو حالا درون زمین یک تیم حسابی دارد، هوادارانش در ایران هم چنین گروهی تشکیل داده‌اند. همدیگر را می‌شناسند یا نه، مهم نیست. یا با هم ارتباط دارند یا نه. آدم‌ها را از تیم‌هایی که دوست دارند می‌شود شناخت. ۴ سال پیش SMS نبود و حالا هست. قبل و بعد از بازی گوشی‌های‌مان را در دست می‌فشاریم و منتظر می‌مانیم. منتظر یک بوق، یک زنگ. فوتبال بهانه است. به عکس‌های هواداران تیم‌ها در اینترنت یک نگاهی بیندازید. فرصتی ایجاد شده تا آدم‌ها دور هم جمع شوند. که دنبال گریه و خنده‌ای بگردند که آنها را به یکدیگر نزدیک خواهد کرد. بعد بازی ایتالیا و دور و بر خودمان، این همه SMS رد و بدل شده، که یک رکورد است. هنوز با هم ارتباط داریم. این هم از تکنولوژی. یک ساعت بعد از بازی است و دارم از طریق عکس‌های اینترنتی به صورت همه آنهایی که هزاران کیلومتر آن طرف‌تر برای پیروزی ایتالیا یا شکست آلمان خندیده‌اند یا گریسته‌اند نگاه می‌کنم. عکس‌ها این روزها زمین بازی را بی‌خیال شده‌اند و صورت هواداران را نشانه رفته‌اند. چنین غم یا خوشحالی نابی در باقی سال کمتر گیر می‌آید. وقتی که فوتبال نیست. نه فقط با این گروه محدودی که SMS می‌زنند، که حالا با طیف گسترده‌ای از آدم‌ها روبه‌رو هستیم. انگار نیمی از جهان امشب غمگین‌اند و نیمی خوشحال. فعلاً جزء نیمه خوشحالیم ولی یکشنبه شب شاید همه چیز فرق کند. پس مغرور نمی‌شویم. به این می‌گویند تجربه باخت. ایتالیا تا دل‌تان بخواهد از این جور تجربه‌ها در اختیار ما هوادارانش گذاشته است. جای خیلی از ما کنار یکدیگر در تجربه این برد خالی بود: «کاش فلانی هم بود.» فینال امسال، وقتی مدافعان ایتالیا مثل هلال به دقت چیده شده‌ای، دور محوطه هجده‌قدم‌شان می‌ایستند تا دروازه تیم‌شان را در برابر فرانسه یا پرتغال حفظ کنند، جای چند نفر از شما کنار گروه ما خالی خواهد بود؟ اما چه فرقی می‌کند. از این بردها نباشد، باخت که هست. وقتی کنار هم هستیم، باختن هم حال می‌دهد. پیروزی ایتالیا به کنار، این که الکس دل‌پیرو گل نهایی را زد، ماجرا را قشنگ‌تر می‌کند. با دل‌پیرو عمری گذرانده‌ایم. با او از گمنامی بیرون آمده‌ایم و با او غروب کرده‌ایم. در تمام این مدت همراهش بوده‌ایم. و این که هنوز مانده، خودش غنیمتی است. دل‌پیرو در بازی نبود و وقتی وارد شد، جزء رویاهای‌مان بود که گل بزند و اتفاقاً زد. گلش را با ضربه آرامی هم زد. توپش که از بالای سر ینس لمن رد شد، خیالم که از گل شدن توپ راحت شد، برگشتم و برای یک لحظه به چهره رفقایم نگاه کردم. صورت‌شان را دیدم وقتی توپ به تور دروازه رسید و از جا پریدند. گفتم که، ایتالیایی‌ها بلدند چه جوری یک گل معمولی را، گلی که تاثیر چندانی در نتیجه بازی ندارد را، مهم و محترم جلوه دهند. حتماً می‌دانید که، همه آدم‌ها در همه جای دنیا کارهای یکسانی انجام می‌دهند. فرقش این است که تعداد معدودی از این آدم‌ها بلدند که چه جوری همان کارهای معمول را با کلاس جلوه دهند.

عکس روز

تصویر یکی از پرترددترین خیابان‌های مونیخ پس از شکست در برابر ایتالیا. مونیخ شهر مرده‌ها بود.

طرح روز

شب‌های فوتبال

پتار پیسمترورویچ

نیمکت

سیگار برگ یادت نره، استاد

آیدین مهاجر: بگذارید همین اول تکلیف خودم را با شما روشن کنم و بگویم که من عاشق مارچلو لیپی هستم. این دوست داشتن هم به امروز و دیروز برنمی‌گردد، برمی‌گردد به سال ۱۹۹۶ و قهرمانی یوونتوس در لیگ قهرمانان اروپا. حتماً یادتان هست آن سال با مربی‌ای روبه‌رو شدیم که فوتبال را خیلی خوب می‌فهمید و بلد بود با استفاده از ابزارهای خویش تیم را به موفقیت برساند. چیزی که سال‌های بعد هم در مربیگری لیپی دیدیم و دیدیم که او چگونه یووه را در سال‌های ۹۷ و ۹۸ هم به فینال لیگ قهرمانان اروپا رساند. این مهم نبود که او آن دو فینال را باخت، این مهم بود که او با تمرینات ذهنی تر و تمیز و درجه یک خود بازیکنانش را به شرایطی رساند که آنها سه سال پیاپی یووه را به فینال لیگ قهرمانان اروپا رساندند. چند سال بعد، سال ۲۰۰۳، دیدیم که لیپی در بازگشت به یووه این تیم را دوباره به فینال لیگ قهرمانان اروپا آورد و این نشان می‌داد که او چه مربی بزرگی است. همان روزها که لیپی با یوونتوس می‌درخشید، بسیاری از طرفداران فوتبال ایتالیا آرزو می‌کردند که او روزی هدایت تیم ملی این کشور را برعهده بگیرد و جان تازه‌ای به این تیم ببخشد و برای همین بود که وقتی پس از بازی‌های یورو ۲۰۰۴ اعلام شد مارچلو لیپی سرمربیگری ایتالیا را پذیرفته، ایتالیایی‌ها می‌گفتند جام ۲۰۰۶ مال ما است. حالا هم استاد لیپی ثابت کرده آنهایی که او را باور داشتند، در باورهای خود اشتباه نکرده‌اند. مارچلوی کبیر همین که توانسته از ایتالیایی که فوتبالش هیچ‌گاه تماشاگرپسند نبوده، تیمی بسازد که بشود بازی‌هایش را دید و از ظرافت‌های بازیکنانش لذت برد و خسته هم نشد، خودش کار بزرگی است حالا چه برسد به اینکه او این تیم را به فینال هم رسانده باشد. پیش از شروع جام درباره استاد می‌گفتند که خوش پوش‌ترین مربی جام است اما او با یک رودست حسابی، همه‌مان را شوکه کرد و با لباس اسپورت روی نیمکت تیمش نشست. حالا ما امیدواریم که او در بازی فینال با همان تیپ درجه یک روی نیمکت ایتالیا بنشیند و همان ژست همیشگی‌اش را بگیرد و سیگار برگی بر گوشه لب بگذارد و تیمش را هدایت کند. او با این ژست و آن سیگار برگ به هیچ‌کس شبیه نیست، خود خودش است، خود استاد مارچلو لیپی.

آس

گلادیاتور

وقتی آمد توی زمین همه فکر کردند که قرار است یکی از پنالتی‌زن‌ها باشد، اما مارچلو لیپی آلکس را به زمین فرستاده بود که در ۱۵ دقیقه باقیمانده کار را تمام کند. آلکس با آن سر تراشیده و صورت نخراشیده که هیچ شباهتی با دوران دلبری‌اش نداشت نشان داد که لیپی قصد نداشته پنالتی را به او بسپرد و بنا براین بوده که کار در همان دقایق پایانی تمام شود. مهاجم ۳۱ ساله ایتالیا پاس جیلاردینو را تبدیل به گلی تحقیرآمیز برای آلمانی‌ها کرد تا سال‌ها دل هواداران ژرمن را بسوزاند. پا به توپ‌های پیش از گل او هم آرامش عجیبی به ایتالیایی‌ها داد. لحظات بعد از گل برای دل‌پیرو لحظات فریاد از بغض فروخورده‌ای بود که چند ماه اخیر گریبان او را گرفته بود. ماه‌هایی که همواره به عنوان یک بازیکن تمام شده از او یاد می‌شود. دل‌پیرو دلنشین‌ترین گل ایتالیا را تا اینجای جام جهانی به‌ثمر رساند و دوباره خودش را اثبات کرد. وقتی مهاجمان اصلی تیم مثل تونی، جیلاردینو، یاکوئینتا و اینتزاگی برتری محسوسی نسبت به دل‌پیرو ندارند می‌شود حدس زد که در بازی فینال باز هم شانس بازی به او برسد. تا اینجای جام جهانی بیشتر اوقات توتی و جیلاردینو، به او ترجیح داده شده‌اند اما چهره تازه دل‌پیرو نشان می‌دهد که او قصد دارد دوباره به اوج برگردد. مانکن دیروز، این روزها به گلادیاتور شبیه است. این است سیمای جدید آلکس...

چهره

کف مرتب برای ینس لمن

علی محسنی: دژ مستحکم آلمان‌ها که توانست بهترین بازیکن جام‌جهانی گذشته را نیمکت‌نشین محض کند، واقعاً همه چیز الیور کان را با خود داشت. هم با جسارت و فریادهای خود به تیم انرژی مثبت می‌داد و هم پوشش قابل اعتنایی برای سمت عقب ضعیف‌تر ژرمن‌ها نسبت به سال‌های گذشته بود. تنها مغلوب پائولو ونچاپ شده بود و آیالا که در هر سه مورد، به واقع مدافعان مقصرتر بودند. به همراه تماشاگران بی‌شمار آلمانی استرس شدیدی بر آرژانتینی‌ها وارد کرد و مسبب اصلی برتری بر شانس بی‌نظیر قهرمانی بازی‌ها. آلمان شب گذشته به او خیلی تکیه کرده بود که هم وزنه روحی باشد و هم سنگربان و مانع مهاجمان قهار لاجوردی‌پوش. تا پایان ۹۰ دقیقه همه چیز بر وفق مراد پیش می‌رفت. شاید به این خاطر که تیم نیز می‌دوید و به پشتیبانی جو غالب وستفالن آلمان‌ها باور برد را در سر می‌پروراندند. اما چه می‌شد کرد که برخلاف آنها ایتالیایی‌ها برای پروژه گل نخوردن واقعاً تمامی ابزارها را در اختیار داشتند. هم مدافعان مستحکم بودند و هم بوفون چیزی از لمن کم نداشت که اگر اشتباه زاکاردو نبود، دروازه‌اش در این جام میزبان توپی نبوده است. در اوقات اضافه تفاوت‌ها عیان شد. آلمان‌ها از لحاظ بدنی کم آورده بودند و ایتالیایی‌ها مترصد چنین فرصتی. آتزوری‌ها نباید بازی را به ضیافت پنالتی‌ها می‌رساندند. پس این ۳۰ دقیقه را باید غنیمت می‌شمردند. حال نوبت ینس بود تا جلوی حریف را بگیرد. چند توپ را به خوبی دفع کرد و دو باری از تیر دروازه کمک گرفت. در حرکت انفجاری جیلاردینو تمام تیم جا ماندند و شاید اگر توپ درست به پایش می‌چسبید گل زیبایی را شاهد می‌بودیم که حتی لمن هم عکس‌العمل مناسب را نشان نداد و شوت زامبروتا از زاویه‌ای نواخته شد که دید کافی را نداشت و در این مورد بحق می‌توان تبرئه‌اش کرد اما امان از آن وقتی که شانس یار نباشد. همه به باور ضربات پنالتی رسیده بودند و ینس در اندیشه هنرنمایی در آن عرصه، اما دو دقیقه کم آمد. روی ضربه گروسو، بالاک و یکی، دو مدافع دیگر بیشتر مقصر بودند تا او و دل‌پیرو هم هر چقدر افول کرده باشد، این‌گونه توپ‌ها را به زحمت از دست می‌دهد. او فرصت حضور در فینال را نیافت. لمن ستاره آلمان‌ها بود هر چند احتمالاً کلوزه‌ای که آقای گل می‌شود بیش از همه به چشم می‌آید. ینس تا پیش از این مسابقات اصلاً محبوب نبود و همواره هو می‌شد اما حال دوستش دارند. البته یک نفر دیگر هم وجود دارد که او را دوست داشته باشد؛ بسیار بیش از گذشته. آرسن ونگر استاد رو کردن چهره‌ها چه برای اولین‌بار و چه آنهایی که افول کرده‌اند و نیاز به بازیابی دارند همچون لمن. حیف که او در کشورش بازی نمی‌کند که تشویق‌ها را نیز به چشم شاهد باشد.

کلوپ هواداران

تنها مهم است که کی برنده می‌شود

علی محسنی: آلمانی‌ها روی نحوه بازی ایتالیایی‌ها زوم کرده‌اند؛ معتقدند جوانمردانه نیست اما چه فایده! تنها این مهم است که کی برنده می‌شود. ایتالیایی‌ها سر از پا نمی‌شناسند.

■ واقعاً به آلمان‌ها برای این طور بازی کردن باید تبریک گفت. آنها سبک بازی خوبی ندارند اما در این مسابقات به نظر من خوب کار کرده بودند. البته آنها بدشانس بودند که در بازی با ایتالیا، شکست خوردند.

کوین از استرالیا

■ همان‌گونه که انتظار داشتم، از مسابقات کنار رفتیم، زمین خوردن‌های ایتالیایی‌ها و خصوصاً زمین خوردن توتی در پایان وقت اضافه اول که عجیب هم نبود، خوردن یک گل دیرهنگام در زمانی که آلمان‌ها قدم می‌زدند و به‌وضوح فراتر از خسته بودند، آنها تنها انرژی خود را در پایان از دست داده بودند.

جان از آلمان

■ باید هم به آلمان و هم به ایتالیا به سبب این بازی بزرگ تبریک گفت. عملکرد بالاک در این رقابت‌ها بسیار ناامیدکننده بود. او بدترین بازیکن آلمان بود و باید در نیمه دوم تعویض می‌شد. شاید لااقل نتیجه بازی فینال را تغییر می‌داد!

بلکیت از لهستان

■ ایتالیایی‌ها بهترین دروازه‌بان دنیا، بهترین مدافعان (با یا بدون کاناوارو) و بهترین خط مهاجم در دنیا را دارند. تنها کاش جایگزینی برای کاناوارو داشتند.

ترسا از کانادا

■ اگر ایتالیا برد، مبارکش باشد اما بعضی از باشگاه‌های آنها به سری B یا C خواهند رفت پس تمامی آتزوری‌ها، خاطره‌ای خوش برای به یاد آوردن دارند هنگامی که بسیاری از باشگاه‌های شان سقوط کرده‌اند، ما آنها را در لیگ قهرمانان شکست می‌دهیم... احتمالاً!

آرتور از آلمان

■ من گریه می‌کردم... اشک‌هایی از خوشحالی! بسیار خوشحالم! از تمام تیم تشکر می‌کنم، خصوصاً کاناوارو، بوفون و پیرلو. جام‌جهانی را ببرید و این رسوایی‌ها را به فراموشی بسپارید. قلبم با ایتالیا است.

ایلیا از نیوزیلند

■ شما در دفاع بودید هنگامی که رقیب حمله می‌کرد. ایتالیا در طول نیمه نخست حمله می‌کرد و ۳۰ دقیقه از نیمه دوم استراحت کرد. آلمان هرگز برای خطرناک بودن تلاش نکرد.

آله نستا از ایتالیا

نگاه

نفرت از فضیلت

«پختگی مرد یعنی بازیافتن آن جدیتی که آدمی در روزگار کودکی در بازی داشته است.»

فریدریش نیچه

و چه پخته‌اند مردان تیم ملی فوتبال آلمان که در مهم‌ترین بازی زندگی‌شان جدیتی چنین کودکانه دارند. کاش لختی درنگ می‌کردیم و می‌اندیشیدیم که شاد شدن از نتیجه بازی تمام‌تراژیک نیمه‌نهایی به چه معنا است؛ نفرت از بازیکنانی که در کل تورنمنت هیچ عبارت زشتی بر زبان نراندند و هیچ دستی را که به دوستی دراز شده بود پس نزدند. نفرت از تیمی که هر چه در توان داشت نمایش داد و هرگز به ضدفوتبال روی نیاورد. نفرت از ستارگانی که اختلاف بیرون زمین را برای رسیدن به نفعی جمعی همدلانه کنار گذاشتند و برای هم در راه اعتلای وطنشان مردانه آرزوی موفقیت کردند. نفرت از مردانی بلندقامت به آراستگی یک سرباز که فردیت خویش را در راه خواستی همگانی فدا می‌کنند. نفرت از تماشاچیانی قدردان که به امید فردایی باشکوه‌تر ایستاده ساق‌های خسته گلادیاتورهایشان را تحسین کردند. نفرت از قهرمانانی که پس از وداعی تراژیک میدان سبز را ترک نگفتند و با بغضی فرو خورده در چهارگوشه زمین رودرروی هواداران ایستادند، از تقصیر نداشته خویش عذر خواستند و در نگاهشان خشمی بود به رنگ پیروزی. نفرت از چشمان نمناک کودکان انتقام. نفرت از اراده‌ای پولادین که هر لحظه می‌تواند تمام ظرفیتش را به کار گیرد و حتی مرده‌اش هم هولناک است. نفرت از غرور ملتی که به شکست عادت نمی‌کند.

این همه نفرت از فضیلت‌ها واقعاً به چه معنا می‌تواند باشد؟ آلمان پرنده‌ای است که هر بار ققنوس‌وار سر از خاکستری برمی‌کند. شبحی است با سایه‌ای سنگین بر فراز اروپا. و آینه‌ای است تمام‌نما برای آنها که از خویش به ستوه آمده‌اند. این گزین‌گویه نیچه چه خوب وصف حال می‌کند که «از او خوشم نمی‌آید. چرا؟ زیرا همترازش نیستم. آیا هرگز بشری چنین پاسخی داده است؟»

تسلیت

جناب آقای علی میرزایی

درگذشت تاسف بار دختر عزیزشان را از صمیم قلب تسلیت می‌گوییم.

گلی امامی، بهاءالدین خرمشاهی، رضا رضائی، فریبرز رئیس دانا، علی صلحجو، امید طبیب زاده، کامران فانی، عزت الله فولادوند، ابوالحسن نجفی، روشن وزیری، حورا یاوری

پذیرش آگهی‌های ترحیم و تسلیت

تلفن مستقیم: ۲۲۰۵۷۰۹۰ نمابر: ۲۲۰۵۶۳۹۰

بلوار آفریقا، خیابان مهیار، پلاک ۲